



یادداشت

هجوم دولت و مجلس به دستمزدها به رغم افزایش تورم و قیمت ها

صادق کار



هواخواهان رئیسی که قبل از انتصابات در جلد عدالتخواهی رفته بودند و خود را داخل هر اعتصاب و اعتراضی می چپاندند تا برای رئیس قاتل و جنایتکارشان تبلیغ کنند و با اعتصابیون عکس یادگاری بگیرند، حالا دیگر با تشکیل دستجات سینه زنی و نوحه خوانی تبدیل به اعتصاب شکن شده‌اند. گوشها و چشمهایشان را بر روی سرکوب خونین مردم تشنه لب خوزستان بسته‌اند و برایشان نوحه کریم می خوانند. حال که به مراد دلشان رسیده‌اند به جلد واقعی خودشان بازگشته اند. یحتملا آنها در سرکوب مسلحانه مردم خوزستان نقشی به عهده دارند

درست یک روز بعد از برکشاندن ابراهیم رئیسی به ریاست قوه مجریه، لحن و فرهنگ گفتاری رسانه های حامی او دگرگون شده اند. از آن روز تا کنون کمتر رسانه محافظه کاری را می توان یافت، که درمورد شعارها و وعده های انتخاباتی "عدالتخواهانه" او چیزی بنویسند. انتشار گزارشات و خبرهای مربوط به اعتصابات و اعتراضات کارگری که در رسانه های همچون "تسنیم" و از آن قسم منتشر می شد، با وجود بیشتر شدن اعتصابات و اعتراضات، دیگر منتشر نمی شوند

حتی صحبت چندانی از چند برابر کردن یارانه ها که رئیسی و بقیه نامزدها به مردم می دادند، نیست. در عوض تا دلتان بخواهد صحبت از مشکلات بزرگ و زمان بر بودن رفع مشکلاتی می شود که دولت روحانی برای دولت جدید از خود بجای گذاشته است. از خامنه ای گرفته تا بادامچیان دبیر کل مونتلفه همه رفع مشکلات مردم و کشور را به آینده دور و نامعلوم حواله می دهند

خود رئیسی نیز فیتله و وعده های فریبکارانه اش را پائین کشیده. طوری که دیگر انگار معیشت و سفره های خالی مردم، مسئله اولویت دار جامعه نیستند. وعده ای هم اگر گاهی می دهد وعده های کلی و مربوط به آینده نا معلوم است. وعده های هم چون مسکن، کاهش تورم، مبارزه با فساد است که این آخری از بقیه بی مسماتر است. این در حالی است که هم اکنون آمار تورم به سرعت در حال جهش است و ارزش پول در حال سقوط. همین وعده کاهش تورم خود بهانه ای شده است برای امتناع از افزایش دستمزدهاست

هواخواهان رئیسی که قبل از انتصابات در جلد عدالتخواهی رفته بودند و خود را داخل هر اعتصاب و اعتراضی می چپاندند تا برای رئیس قاتل و جنایتکارشان تبلیغ کنند و با اعتصابیون عکس یادگاری بگیرند، حالا دیگر با تشکیل دستجات سینه زنی و نوحه خوانی تبدیل به اعتصاب شکن شده‌اند. گوشها و چشمهایشان را بر روی سرکوب خونین مردم تشنه لب خوزستان بسته‌اند و برایشان نوحه کریم می خوانند. حال که به مراد دلشان رسیده‌اند به جلد واقعی خودشان بازگشته اند. یحتملا آنها در سرکوب مسلحانه مردم خوزستان نقشی به عهده دارند



متحدین رئیسی در مجلس فرمایشی هم بعد از انتصاب او به رنگ اول خود درآمده‌اند. آنها که روزی برای تعلل دولت روحانی در اجرای همسان سازی سینه چاک می دادند و برای سفره‌های خالی بازنشستگان از طعام اشک تمساح می ریختند، الان خودشان با امتناع از تصویب لایحه همسان سازی، بدتر از آن با بازنشستگان می کنند، که دولت روحانی می کرد. کسی دیگر در مجلس حرفی از وضع بد معیشت مردم، از افزایش دستمزدها نمی زند. مجلس نشینان حالا که خرشان را از پل گذرانده‌اند زیر قول و قرار خودشان و دولت با کارمندان رسمی نفت زده‌اند. وقتی نوبت به کارگران، معلمان و بقیه می رسد می گویند بودجه نداریم که حقوق تان را زیاد کنیم. مصوبه افزایش ۲۱ تا ۲۷ درصد فوق العاده به حقوق معلمان را نمی پذیرند. ریاکارانه به مردم وعده بهبود معیشت را می دهند و در همان حال مقابل افزایش ۶۰ تا ۸۰ درصد به قیمت نان، سکوت تائید آمیز می کنند

از خیزش و مطالبات حق طلبانه مردم خوزستان حمایت و سرکوب مردم معترض خوزستان را محکوم کنیم!

سرکوب مردم خوزستان را متوقف کنید!

بساط کشتار و سرکوب را نیز حالا که همه امور و امکانات کشور را به انحصار خودشان در آورده‌اند، پهنتر کرده‌اند. در کنار کشتار و انباشته کردن زندانها از مردم زحمتکش و حق طلب خوزستان، معترضین به سرکوبها را نیز دسته، دسته به محاکمه می کشند و به زندانهای بلند مدت محکوم می کنند. همه این اقدامات ددمنشانه قبل از آن انجام می شوند که خامنه‌ای و مجلس حکم تنفیذ و تائید رئیسی را به انجام برسانند

با این همه مردم هم که از عاقبت کار خبر دارند، بیکار ننشسته‌اند. موجی از اعتراضات اجتماعی در کشور به جریان افتاده است که دم به دم در حال خروشانتر شدن است. دیوار ترس مردم فرو ریخته و اینک این حکومت "یک دست" است که در خوف و هراس از گسترش اعتراضات و خیزشهای مردمی و در محاصره بحرانا به سر می برد

رویای حکومت یک دست از هم اکنون به کابوس خوفناک رژیم تبدیل شده است. اختلافات بر سر سهم از ثروت و قدرت در میان پیروان حکومت یک دست واضحتر از آن است که قابل لاپوشانی باشد. دولت رئیسی چیزی بیش از دولت کوتوله ها نیست. دولتی به مراتب ناتوان تر و نا منسجمتر و نا لایقتر از دولتهای پیشین و دولتی برآمده از سرکردگان باندهای مافیایی که هر کدام دنبال منافع باندي خود هستند. دعوا بر سر ترکیب دولت و پستهای زیر مجموعه دولت از هم اکنون به شدت جریان دارد. نگاهی گذرا به مطالب مندرج در رسانه ها گوشه هایی از این اختلافات را بر ملا کرده‌اند. بیشترین اختلافات فعلا بر سر پستهای کلیدی اقتصادی همچون، وزارت صمت و معدن، وزارت اقتصاد، رئیس بانک مرکزی و وزارت امور خارجه است. نتیجه این کشمکشهای کشتار هر چه باشد، به هیچ روی به نفع مردم و بخصوص کارگران و تهی دستان نیست. رهایی از وضعیت موجود نیز بدون تشدید مبارزات و اعتراضات در ابعاد وسیعتر و همبستگی بین گروه‌های اجتماعی مبارزه نیست

به جرات می توان از پیش گفت که تمام برنامه های دولت رئیسی اگر بتوان نام (برنامه بر آنها اطلاق نمود)، اگر رهبر جام زهر دیگری را سر نکشد و بر سر برجام تن به سازش ندهد، روی کاغذ خواهند ماند و بحراناها موجود تشدید خواهند شد.

از مبارزات کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!



تجربه تعاونی موندراگون بخش هشتم

خابیر باراندیاران و خاویر لزاون



در ماه می سال ۲۰۱۳ کنگره تعاونیها ایجاد صندوقی با سرمایه ۷۰ میلیونورو را برای تجدید سازمان کارخانه تصویب کرد. این صندوق بر پرداخت سهمیه توسط کلیه تعاونیای موندراگون استوار بود. فقط چند ماه پس از آن که شورای عمومی تصمیم گرفت دیگر وجوهی را به صندوق مذکور واریز نکند، مکانیسمها و اشکال دیگری از همبستگی بین تعاونی بروز یافتند. تعهد به یافتن کار برای کارگر-اعضای کارخانه، که کار خود را در اثر ورشکستگی کارخانه از دست داده بودند، شاخص ترین این اشکال بود. امروزه اکثریت کار-اعضای بیکار شده فاکور در دیگر تعاونیهای موندراگون به کار اشتغال دارند

۵. موندراگون در بحران

بحران اقتصادی کنونی به موندراگون نیز ضربت سختی وارد آورده است. شاید محسوس ترین عارضه این وضع، ورشکست شدن کارخانه وسایل برقی خانگی فاکور در سال ۲۰۱۳ باشد. کارخانه مذکور، به عنوان میراثدار مستقیم تعاونی اصلی اولگور، یکی از تعاونیهای پرچمدار گروه موندراگون با ۵۶۰۰ کارکن بوده است و با ۲۰۰۰ کارگر عضو بوده است. این کارخانه دارای ۱۸ مرکز تولید در ۶ کشور است. کارخانه فاکور در خلال یک دهه قبل از افول خود - در دوره رشد گسترده اش در بخش ساخت و ساز اسپانیا - ظرفیت تولید خود را به بیش از دوبرابر افزایش داد. در سال ۲۰۰۵ (را خرید و به این ترتیب به پنجمین بزرگترین کارخانه تولیدکننده وسایل خانگی تبدیل شد. Brandt شرکت فرانسوی براند)

واقعیت قابل توجه در مورد کارخانه فاکور نه تنها این است که یک شرکت تعاونی با چنان اهمیت و اندازه ای نمی تواند و نباید خود را در وضعیت مالی ناپایداری قرار دهد، بلکه این نیز هست که گروه موندراگون از طریق شورای عمومی خود از



ارائه حمایت مالی لازم به آن خودداری کرد و یکی از بزرگترین و نمادین ترین تعاونی هایش را در دادگاهی که به ورشکستگی آن رسیدگی می کرد، به حال خود رها کرد. جالب این است که فروپاشی کارخانه فاکور در عین حال برخی از نقاط قوت گروه تعاونی موندراگون را به معرض نمایش گذاشت. پیش از تصمیم نهائی دایر بر اعلام ورشکستگی فاکور، کارگر-اعضای تمامی تعاونیهای موندراگون با کاهش قابل توجه حقوق شان برای برپا نگه داشتن فاکور توافق کردند. در ماه می سال ۲۰۱۳ کنگره تعاونیها ایجاد صندوقی با سرمایه ۷۰ میلیونورو را برای تجدید سازمان کارخانه تصویب کرد. این صندوق بر پرداخت سهمیه توسط کلیه تعاونیای موندراگون استوار بود. فقط چند ماه پس از آن که شورای عمومی تصمیم گرفت دیگر جوهی را به صندوق مذکور واریز نکند، مکانیسمها و اشکال دیگری از همبستگی بین تعاونی بروز یافتند. تعهد به یافتن کار برای کارگر-اعضای کارخانه، که کار خود را در اثر ورشکستگی کارخانه از دست داده بودند، شاخص ترین این اشکال بود. امروزه اکثریت کار-اعضای بیکار شده فاکور در دیگر تعاونیهای موندراگون به کار اشتغال دارند. البته شرایط برای هزاران کارکن تعاونی فاکور و کارگران شرکتهای وابسته به آن، که کارگر-عضو فاکور نبودند و در نتیجه تحت پوشش حمایت شبکه تأمین کار قرار نمی گرفتند، بسیار متفاوت بود.

بحران کارخانه وسائل برقی خانگی فاکور بحث شایستگی و صاحب نظری مدیریت تعاونیها، سرعت و هدف بین المللی شدن و رابطه بین تعاونی های منفرد و گروه تعاونیها را - که از مدتها پیش و هر از گاهی در درون تعاونیهای موندراگون و در حاشیه اجتماعی بلا فصل آنها در می گرفت - زنده کرده است. البته این بحران تنها نمونه و بار اول از درگیری گروه موندراگون با وضعیت حاد اقتصادی نبوده است. در اواخر دهه ۷۰ قرن گذشته و در بیشترین سالهای دهه ۸۰ تعاونیهای صنعتی گروه با رکود بسیار سنگینی روبرو بودند. در آن زمان ای بحران در درجه اول از طریق [چاره های عمومی برای رفع] رکود فوق العاده شدید اقتصاد اسپانیا تعدیل شد (در سال ۱۹۷۶، بیش از ۱۰ درصد از کل تولید تعاونی ها به بازارهای خارجی راه یافت). ویلیام وایت و کاتلین وایت، در تحقیق کلاسیکی که در سالهای ۱۹۸۰ روی تعاونیهای موندراگون انجام دادند، به تفصیل به چالشهای رکود جهانی سالهای پایانی دهه ۷۰ برای جنبش تعاونی موندراگون و به ویژه برای کارخانه فاکور پرداختند. در آن زمان فاکور دست به تغییرات رادیکالی در مدیریت و شیوه عملیات خود زد. مهمترین این تغییرات اعمال سیاست جبرانی جدیدی نسبت به آن عده از کارگر-اعضای آن بود که "درآمد فردی" (بدیل موندراگون به جای دستمزد و حقوق) شان را به نتیجه اقتصادی فعالیت کارخانه مرتبط می کرد (تا آن زمان درآمد فردی کارگر-اعضا منحصرأ به تغییر شاخص قیمتها در اسپانیا برای مصرف کننده مرتبط بود). از آن پس درآمد فردی در فاکور و در دیگر تعاونیها از طریق فرمول پیچیده ای محاسبه می شود که فاکتور کلیدی آن درآمدهای نقدی کارخانه - به عنوان معیاری ضمنی برای موفقیتهای اقتصادی آن - است.

به عبارت دیگر بحران های اقتصادی به طور قابل توجهی تجربه موندراگون را دگرگون کرده و تغییر شکل داده اند و قطعاً در دوره تعدیلهای کنونی نیز به طریق مشابه پیامدهای عمیقی بر سازمان و کردار جنبش تعاونی خواهند داشت. دشواریهای اقتصادی نه تنها آزمونی برای رقابت پذیری تعاونیهای منفرد و شایستگیهای ارگانهای مدیریت آنهاست، بلکه همچنین آزمونی برای قابلیتهای اخلاقی کارگر-اعضای آنها و پایداری شان به ارزشها و اصولی است که این تجربه همکاری را در شصت سال گذشته برانگیخته و برپا داشته است.

کار یا پرداخت حقوق بیکاری به همه بیکاران!



شش ماه حبس برای عامل کشته شدن ۱۸ کارگر، سه سال حبس برای شرکت در یک تجمع کارگری!

صادق



حالا مقایسه کنید مجازات مسنول قتل ۱۸ کارگر را با مجازات کارگرانی که به خاطر اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد شان و یا شرکت در مراسم روز کارگر و یک اعتراض صنفی به سالها زندان و شلاق و اخراج توسط، همین بیدادگاه ها و ناقاضیان بی شرف و بی وجدانی امثال، " محمود رضا مسعودی "ها محکوم شده اند. این تنها یک نمونه از مدعیان "عدالت اسلامی" است. قاضی القضاات جنایتکار پیشین این رژیم با سابقه مشارکت در قتل هزاران مبارز سیاسی، به پا داش نقشی که در جنایت رژیم داشته است، اینکه بر مسند ریاست جمهوری نشسته است.

حتما عده ای از دوستان هنوز از یاد نبرده اند، که در روز کارگر سال گذشته ماموران به یک تجمع کاملاً مسالمت آمیز که بمناسبت روز جهانی کارگر در تهران برگزار شد وحشیانه حمله ور شدند و پس از آنکه تا توانستند چماق و باتون بر سر و بدن شرکت کنندگان در آن مراسم کوبیدند آنها را برای بازجویی و تشکیل پرونده به بیداد سرای قوه قضایی بردند.

همه بازداشتی ها البته پس از بازجویی و گرفتن آدرس و مشخصات هویتی بطور موقت آزاد شدند تا به نوبت برای محاکمه احضار شوند. پس از مدتی بردن و آوردن ها، چند تن آنها با زدن اتهامات واهی و کلیشه ای محکوم به تا سه سال زندان، شلاق و محرومیت از فعالیتهای اجتماعی و مدنی پس از آزادی شدند. بعضی از آنها متأسفانه هنوز در زندان هستند و دارند دوران زندان شان را می گذرانند. البته این مورد یک نمونه از خروار است. صدها فعال سندیکای از میان معلمان و کارگران طی سالهای گذشته به واسطه حق طلبی و شرکت در فعالیتهای سندیکایی به مجازات های بس سنگینتر محکوم شدند، که بعضاً هنوز در زندان هستند و با آنها بسیار غیر انسانی رفتار می کنند و از حداقل حقوق یک زندانی نیز محروم اند. تعدادشان زیاد است و از بیم آنکه نام یکی از آنها از قلم بیفتد، از آوردن اسامی شان عذر می خواهم.



خیلی از مردم خصوصاً آنهایی که مسائل و رویدادهای کارگری و سیاسی را دنبال می کنند، این نام آشنایان مبارز و فداکار و ضد استبداد و بی عدالتی را می شناسند. راه دور نرویم در میانه این هفته تعدادی از این عزیزان به صرف شرکت در یک تجمع مسالمت آمیز برای اعتراض به کشتار و سرکوب وحشیانه مردم خوزستان، پس از ضرب و شتم توسط پاسداران استبداد و غارتگران اموال عمومی دستگیر و چند روز بعد خبر تشکیل پرونده برای ۹ تن از آنان منتشر شد و عوامل استبداد در حال تدارک مجدد محاکمه آنان هستند. تعدادی از این مبارزان همچون، نرگس محمدی، جعفر عظیم زاده، رسول بدای آرش صادقی، به دفعات محاکمه و هر یک سالهای زیادی را در زندان گذرانده اند.

پنج تن دیگر که مدتها بدون محاکمه در بازداشت بوده اند نیز در این هفته با اتهامات ساختگی مجموعاً به ۳۸ سال حبس تعزیری محکوم شدند. در میان این پنج تن مهران رئوف قرار دارد که جرم واقعی او از نظر دستگاه قضایی فقه های حاکم فعالیت سندیکایی است.

هیچ کدام از اینها، نه کسی را کشته اند، نه دزدی و اختلاس کرده اند، نه یک و نیم میلیارد ارز دولتی را به جیب زده اند، نه خانه ها و املاک شهرداری را بین اعوان و انصارشان تقسیم کرده اند و نه وزیر و وکیل بوده اند که از بابت وزارت مولتی میلیاردی شده باشند. هیچ یک از آنها نه رئیس قوه قضایی یا معاون او بوده اند که به گنج های قارونی و کاخ های هارونی برسند و نه برادر رئیس جمهور و معاون اول او بوده اند که از هیچ به همه چیز رسیده باشند. خیلی از آنها حتی گاهی اوقات معطل نان شب شان بوده اند. تعداد زیادی از آنان تنها به دلیل اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای ناچیزشان به زندان محکوم شده اند.

اما ببینیم دستگاه مدعی عدالتخواهی سید علی و مدعیان عدل علی، که کارگران و بیگناهان را چنین بیرحمانه مجازات و محکوم میکند، با سرمایه دارانی که به واسطه رعایت نکردن اصول بهداشتی در کارخانه هایشان، باعث کشته شدن کارگران شان شده اند، چگونه رفتار کرده و می کنند.

ما می دانیم و پزشک قانونی نیز سالهاست که آمار فزاینده قربانیان حوادث شغلی را منتشر نموده است. طبق گزارشات پزشک قانونی شمار حوادث کار و همچنین تعداد کشته شدگان آن سال به سال بیشتر شده اند. بازرسان اداره کار و برخی از کارمندان و مدیران دولتی نیز افزایش قربانیان حوادث شغلی را تأیید می کنند و بعضی از علل آن را نیز بیان می کنند. کمبود بازرس، رعایت نکردن اصول ایمنی، فرسودگی دستگاه ها، نبود تشکلهای کارگری در محیط های کار... از جمله عللی هستند که آنها ذکر می کنند.

همه این علل البته درست هستند و آنقدر واضح و غیر قابل کتمان می باشند که انکار آنها ممکن نیست. با این همه آنها کمتر به یکی از علل اصلی که نقش برجسته تری در ایجاد این حوادث دارند اشاره می کنند. و آن علت که به راحتی با زیر پا گذاشتن وجدان شان و یا ترس از بد عاقبتی از کنار آن می گذرند، بی مجازات ماندن عوامل این حوادث و یا دقیقتر گفته باشیم جنایت است.

کارفرما به خاطر سود اندوزی بیشتر، از ایمن کردن محل کار کارگر با اینکه می داند به قیمت جان کارگر ممکن است تمام شود، طفره می رود و اطمینان دارد که دستگاه قضایی و دولتی هم اگر حادثه ای روی دهد که مقصر باشد از او حمایت می کند. ما بارها به هنگام اظهار نظر در مورد علل حوادث کار به این مسئله در جنگ کارگری پرداخته ایم. انتشار یک گزارش در پنج شنبه این هفته در خبرگزاری ایلنا در پی کشته شدن دو کارگر فولاد در



عجیبشیر، نیز بر این واقعیت صحنه می گذارد. رعایت نکردن حداقل شرایط ایمنی در کارخانه فولاد که جزء پر درآمد ترین واحدهای صنعتی بوده و هستند، نیز دلیل دیگری جز آسودگی خیال مالک و یا مالکان کارخانه مذکور ندارد. کارگران این کارخانه مجبور بوده‌اند، آهن آلات قراضه را که می بایست توسط دستگاه درون کوره قرار داده می شدند با دست به درون کوره پرتاب کنند. علت مرگ دلخراش این دو کارگر در کارخانه‌ای که دست کمی از جهنم افسانه‌ای نداشته، همین بوده است

خبر گزارى ایلنا در قسمتی از گزارش خود در مورد مجازات عامل یکی از حوادث این چینی که در کارخانه فولاد غدیر رخ داده است، نوشت:

فقط شش ماه حبس تعزیری برای مرگ ناکام ۱۸ کارگر!

فقط به چند سال قبل، به سال ۹۰ و حادثه انفجار در فولاد غدیر یزد بازمی‌گردیم؛ به حادثه‌ای که در ... " آن، ۱۸ کارگر جان خود را به سادگی آب خوردن از دست دادند؛ در ارتباط با آن حادثه دردناک، بسیار گفتند و DNA نوشتند، از پسری که جلوی چشمانش، پدرش آب شد و استخوان‌هایش نیز بر جای نماند؛ تا کارگرانی که با هویتشان را تشخیص دادند؛ تکرار این دردها و مرثیه‌ها، دیگر چندان فایده‌ای ندارد؛ فقط کافیت به حُکمی که دادگاه بعد از یکسال دوندگی خانواده‌های قربانیان، برای «مقصر حادثه» یعنی کارفرما صادر کرده، توجه کنیم

با شکایت نزدیک به ۵۴ نفر از اولیاء دم کارگران قربانی، شعبه ۱۰۷ جزائی شهرستان یزد به ریاست قاضی محمود رضا مسعودی در تاریخ سوم آذر سال جاری، رای خود را در رابطه با این حادثه صادر کرد

در رای صادره از شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی و جزایی یزد آمده است

دادگاه با توجه به محتویات پرونده شکایت اولیاء دم مرحومان و نیز شکات پرونده نظریه پزشکی، نظریه « : کارشناسان کار، اظهارات متهم و تحقیقات معموله بزه انتسابی به نظر دادگاه محرز و مسلم است فعل ارتكابی متهم منطبق است با ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی؛ لذا دادگاه به استناد ماده مذکور از قانون مجازات اسلامی و نیز مواد ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۷ و ۳۰۰ همان قانون و اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به لحاظ وضعیت خاص متهم و حسن سابقه او نامبرده را به تحمل شش ماه حبس تعزیری و یک و یک سوم ديه كامل مرد مسلمان در حق هر یک از اولیاء دم مرحومان به تفکیک (در خصوص تنها کارگر غیر مسلمان نیز مبلغ مذکور وفق دستور اجرای ... احکام به صندوق دادگاه واریز خواهد شد) و

حالاً مقایسه کنید مجازات مسئول قتل ۱۸ کارگر را با مجازات کارگرانی که به خاطر اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد شان و یا شرکت در مراسم روز کارگر و یک اعتراض صنفی به سالها زندان و شلاق و اخراج توسط، ها محکوم شده‌اند. این تنها یک "محمود رضا مسعودی" همین بیدادگاه ها و ناقاضیان بی شرف و بی وجدانی امثال، نمونه از مدعیان "عدالت اسلامی" است. قاضی القضاات جنایتکار پیشین این رژیم با سابقه مشارکت در قتل هزاران مبارز سیاسی، به پا داش نقشی که در جنایت رژیم داشته است، اینکه بر مسند ریاست جمهوری نشسته است و جنایتکار همدست او جای او را گرفته است. از چنین جنایتکارانی توقع همه چیز، می رود، الی عدالت و انصاف

به سرکوب سندیکاها و تشکلهای کارگری و پیگرد فعالین کارگری پایان دهید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ادامه اعتصاب سراسری کارگران نفت و شکست اعتصاب شکنان

اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت در این هفته نیز به رغم تمام تلاشهای اعتصاب شکنانه دولت، کارفرمایان و اعوان و انصار آنها ادامه پیدا کرد و با پیوستن شمار دیگری از گروه‌های شغلی شاغل در شرکتهای نفتی و همچنین شروع دور تازه‌ای از اعتصاب و اعتراض در میان کارگران رسمی نفت تقویت شد.

پایداری اعتصابیون روی خواسته‌های به حق شان و شروع دور تازه‌ی اعتراضات در میان کارگران پایانه‌های نفتی امکان رسیدن کارگران به مطالبات شان را تقویت نموده است.

برگزاری مجامع عمومی متعدد به منظور انتخاب نمایندگان واقعی کارگران که به دعوت شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و برای دفع فرصت طلبان تحت حمایت کارفرمایان و تشکلات حکومتی اعتصاب شکن انجام گرفت، زمینه سوء استفاده و ایجاد شکاف در میان اعتصابیون را تا حدود زیادی خنثی کرده است.

تجربه عملی خود کارگران در طول اعتصاب نیز در خنثی سازی اعتصاب شکنان نقش مهمی داشته است. با این همه نباید تصور کرد که مجموعه اعتصاب شکنان به فعالیت‌های اعتصاب شکنانه شان پایان دهند. آنها البته رفتارشان را پیچیده تر خواهند کرد. طرح تکیل شوراهای اسلامی در شرکتهای نفتی یکی از ترفندهایی است که آنها برای شکستن و پس گرفتن دست آوردهای تا کنونی اعتصاب و از میدان به در کردن شورای سازماندهی سعی در پیشبرد آن دارند. این ترفند نیز اما نظر به تجربیات منفی کارگران از شوراهای اسلامی حکومتی و ضد کارگری پیشاپیش محکوم به شکست است.

بهر حال نظر به تجربیات متعددی که از خلف وعده‌های دولتمردان و کارفرمایان در برخورد با کارگران وجود دارد، کارگران نباید قبل از اینکه اطمینان حاصل کنند دولت و کارفرمایان به تعهداتی که می دهند وفا دار خواهند ماند به اعتصاب شان خاتمه دهند. این را هم نباید ناگفته گذاشت که حفظ دست آوردهای مبارزاتی بدون داشتن تشکل کارگری مستقل و نیرومند، برای مدتی طولانی میسر نیست.

از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و مطالبات آنها حمایت کنیم!



اعتصاب در هفت تپه وارد هفته چهارم خود شد

کارگران اعتصابی هفت تپه، هفته پر شور و پر تحرکی را از سر گذراندند. آنها همه روزه با برپایی راهپیمایی و تجمع درمیان شهرشوش، مقابل فرمانداری و کارخانه نشان دادند به رغم همه فشارها روی خواسته های به حق خود ایستاده و مصمم به ادامه مبارزه شان تا رسیدن به مطالبات شان هستند.

کانال تلگرامی سندیکای کارگران هفت تپه و صفحات مجازی کارگران در اینترنت همه روزه گزارشات فعالیتها، سخنرانی ها و راهپیمایی های کارگران را به همراه خواسته های اعتصابیون منعکس و اطلاع رسانی می کردند.

اطلاع رسانی اخبار مربوط به روند اعتصابات توسط کانال ها و منابع کارگری اهمیت اساسی دارد.

افزایش تحرکات اعتصابیون اما با واکنشهای عوامل وابسته به تشکلهای حکومتی و جریان جیره خوار دارودسته ارتجاعی رئیسی موسوم به دانشجویان عدالتخواه مواجه شد. این جریان عدالت ستیز و ارتجاعی تلاش کرد با راه انداختن مراسم نوحه خوانی و سینه زنی در اعتصاب کارگران اخلال ایجاد کند که البته ناکام ماند.

یکی از عوامل تشکلهای ضد کارگری و هواه خواه رئیسی نیز کارگران اعتصابی را زیاده خواه خواند و کوشش کرد خللی در همبستگی گروه های اجتماعی حامی کارگران بوجود آورد.

این دو واقع نشان می دهند که دولت رئیسی در تدارک سرکوب این اعتصاب است و عوامل خودش را برای فراهم کردن زمینه سرکوب وارد گود نموده است. اینکه چقدر در این کار توفیق پیدا کنند تا حدود زیادی به هوشیاری و رفتار کارگران بستگی دارد. جلب همبستگی مردم شهر و خوزستان داغدار و خروشان امری است که می تواند سرکوب اعتصابیون را برای حکومت دشوار کند. کارگران خوشبختانه خود این موضوع را متوجه هستند و در عمل آن را نشان داده اند.

از اعتصاب و مطالبات کارگران هفت تپه حمایت کنیم!

اعتصاب در میان کارگران رسمی در حال افزایش است

در روزهای گذشته خبر چند اعتراض و اعتصاب در میان کارگران رسمی نفت را از منابع موثق داشتیم. گسترش اعتراضات رسمی ها و همراهی آنها با اعتصاب سراسری کارگران پیمانی در واقع حاکی از شکست مقامات دولتی و عوامل مستقیم و غیر مستقیم آنها برای ایجاد شکاف در صفوف کارگران نفت به منظور به شکست کشیدن اعتصاب و بی پاسخ گذاشتن مطالبات همه کارگران نفت، از ارسمی و پیمانی تا پروژه های دارد. این نکته مهم و رمز پیروز این اعتصابات است.

گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

تجمع اعتراضی کارکنان رسمی در سکوی بهرگانسر

روز ۱۱ مرداد جمعی از کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی بهرگانسر در اعتراض به نحوه افزایشات عمومی در حقوق ۱۴۰۰ و محدودیت های اعمال شده تجمع کرده و خواستار حذف محدودیت سقف حقوق برای کارکنان عملیاتی نفت شدند. در همین رابطه در این روز کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره در پالایشگاه نفت لاوان و قشم نیز دست از کار کشیده و تجمع داشتند. قبل از آن هم در ۸ مرداد جمعی از کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی عملیاتی فروزان، پرسنل منطقه بهرگان، پرسنل خشکی فلات قاره و سکوی ابوذر تجمع داشتند همه کارکنان رسمی شاغل در مراکز نفتی به این موضوع اعتراض دارند. زیر فشار کارگران در ۶ تیرکمیسین انرژی مجلس در جلسه خود مصوب کرد که حقوق تیرماه کارکنان رسمی طبق خواسته آنها اصلاح شود اما تنها محدودیت افزایش ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی حذف و محدودیت سقف حقوق و باقی آیت های که سبب ایجاد کسوراتی در حقوقهایشان شده باقی مان بعلاوه نا امنی محیط کار و تحمیل مالیات های سنگین مورد اعتراض همکاران رسمی ما در نفت است.



از مبارزه شان حمایت میکنیم.

ما هم به کمپین می پیوندیم!

در این هفته عده دیگری از کارگران فنی شاغل در پروژه نفت قشم که جوشکار و مونتاژ کار هستند رسماً اعلام کردند به کمپین ۲۰ ... می پیوندند

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران جوشکار و مونتاژکاری که در پروژه ذخایر نفت قشم واقع در جزیره قشم کار می‌کنند؛ اعلام کردند: ما خواستار حداقل ۱۰ روز مرخصی ماهانه برای بودن در کنار خانواده هستیم؛ درخواست دیگر ما عقد قرارداد مستقیم با شرکت نفت و برخورداری از امنیت شغلی است؛ بنابراین ما نیز به کمپین ۱۰-۲۰ می‌پیوندیم

یکی از این کارگران می‌گوید: بار اصلی کار استخراج نفت و گاز کشور بر دوش کارگران زحمتکشی است که دستمزدشان به زحمت کفاف زندگی را می‌دهد اما همه مزایا و مواهب برای مدیرانی است که پشت میز نشسته‌اند و دست به سیاه و سفید نمی‌زنند

این کارگران می‌گویند: مطالبه‌گری کارگران پروژه‌ای، روزمزد و ارکان ثالث نفت و گاز، در دولت جدید متوقف نمی‌شود و قدرت و توان بسیار ادامه خواهد داشت

گزارش اعتصاب کارگران فلات قاره را که در کانال تلگرامی شورای سازماندهی کارگران پیمانی منتشر شده است:

اعتصاب کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره در پالایشگاه نفت لاوان و قشم در اعتراض به محدودیت‌های اعمال شده و نحوه افزایشات عمومی سال ۱۴۰۰

۱۱ مرداد ۱۴۰۰ اعتصاب کارکنان اورهال پالایشگاه ۱۲

یک خبر دریافتی

دوستان همانطور که خودتان نیز مرتباً گزارش میکنید هفته پیش حدود ۱۲۰ نفر از کارکنان اورهال پالایشگاه دوازدهم بعلت کم بودن تجمع و اعتراض کردند. این خبر نشان میدهد که کارگرانی POMC مبلغ قرارداد خود دست از کار کشیدند و در محل اداری شرکت که به آنها وعده داده میشود و سرکار باز میگردند در صورت خلف وعده پیمانکاران تن به کار نمیدهند و در محل دست به اعتراض میزنند. ما کارگران دیگر حاضر به قبول بردگی نیستیم و نه فقط مزد ما باید افزایش یابد و بموقع نیز پرداخت شود. بلکه شرایط زیستی و کاری ما انسانی باشد. لطفاً خبر را درج کنید

منبع: کانال تلگرامی شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت

پس از زیر سوال بردن همسان سازی توسط رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۰ و مخالفت او و عده دیگری از نمایندگان مجلس با تصویب لایحه همسان سازی در مجلس به بهانه بار مالی داشتن و تورم را بودن لایحه، اعتراضات بازنشستگان نیز در حال افزایش اند.

علاوه بر چند اعتراض توسط بازنشستگان در تهران، اهواز و اصفهان، بازنشستگان صنعت فولاد با تشکیل یک کمپین مجازی در این هفته تصمیم گرفتند، از طریق مجازی نیز مبارزه برای احقاق حقوق شان را دنبال نمایند. خواسته های بازنشستگان فولاد به قراری که در اطلاعیه آنها که در خبرگزاری ایلنا هم منتشر شده، البته فراتر از تصویب لایحه همسان سازی است

متن این کارزار که خطاب به رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه نوشته شده، به این شرح است



احتراماً به استحضار می‌رساند بازنشستگان فولاد در راستای رفع مغایرت‌های قانونی و رهایی از مشکلات فراتر از حد تحمل «پیشگامان صنعت فولاد در صندوق بازنشستگی فولاد، خواهان اجرای موارد مطرح‌شده ذیل هستند. لطفاً دستور اقدام مقتضی مرقوم فرمایید.

۱- جدول همسان‌سازی صندوق فولاد (با ساختار و آیین‌نامه‌ای مشابه صندوق بازنشستگی مس)، علاوه بر ناهماهنگی مبالغ حقوق در گروه‌های شغلی فولاد، عملاً در سقف ریالی افزایش امتیاز جدول گروه‌های بیست‌گانه صندوق بازنشستگی کشوری تعیین شده است.

روش اجرایی فوق مغایر است با

الف- ماده ۴ و تبصره ۳ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی مصوب دولت به شماره ۳۷۰۷ در سال ۱۳۹۹

ب- یک‌هزار میلیارد تومان منابع تخصیص‌داده‌شده همسان‌سازی

ج- ماهیت مشاغل فولادی

د- نامتجانس بودن نظام پرداخت حقوق مشاغل فولادی با مشاغل جدول بیست‌گانه صندوق کشوری

ضمناً به استناد ماده ۷ بخشنامه شماره ۲۴۱۸۶۳ مورخ ۰۱/۰۷/۹۹ سازمان برنامه و بودجه، متعاقباً اصلاحات و تغییراتی در مورد حذف سقف و افزایش گروه برای بازنشستگان قبل از سال ۹۶ بازنشستگان کشوری و فوق‌العاده حق مناطق جنگی ابلاغ شده ولی هیچ‌گونه بازخورد یا اصلاحات مشابهی در صندوق فولاد دیده نشده است.

با توجه به موارد فوق، اصلاح جدول همسان‌سازی صندوق فولاد و اعمال آن از اول مهرماه سال ۱۳۹۹ لازم و ضروری بوده است.

اصلاحات مورد نظر:

افزایش میانگین ۲۵ درصدی مجموع مبالغ حقوق در جدول همسان‌سازی فولاد از اول مهر سال ۱۳۹۹ -

متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران تحت پوشش صندوق فولاد با ۹۰ درصد میانگین حقوق مشمول کسور -
بازنشستگی شاغلین هم‌طبقه مشترک در صندوق فولاد (و نه در صندوق کشوری) متناسب با سنوات خدمت

با توجه به آیین‌نامه استخدامی مصوبه هیئت وزیران به شماره ۵۷۲۸۱/ت/۵۲۱۹۵ مورخ ۲۵/۱۱/۱۳۷۸ حاکم بر صندوق‌های -
بازنشستگی شرکت‌ها و واحدهای تابعه وزارت صنعت، برابری حداقل حقوق بازنشستگان فولاد با صندوق بازنشستگی مس پیشنهاد می‌شود.

۲- به دلیل بیماری‌زا بودن مشاغل سخت صنایع معدنی و فولادی و پیامدهای آن در دوران بازنشستگی، برقراری خدمات درمانی خاص ضرورت یافته است ولی متأسفانه پس از واگذاری واحدهای فولادی و معضلات مالی به‌وجودآمده در تأمین هزینه‌های درمان و حقوق مشارکین صندوق فولاد، ویرایش هرساله دستورالعمل‌های درمان صندوق فولاد با کاهش خدمات و پوشش‌های درمانی و انشقاق همراه شده است.

لذا لازم است تا دستورالعمل مذکور در سال جاری بر اساس آیین‌نامه استخدامی فولاد (مصوب دولت) و در جهت بهبود و به‌روز شدن دستورالعمل‌های درمانی قبل از واگذاری واحدهای فولادی مصوب گردد.

لازم به ذکر است مأخذ محاسبه درصد فرانشیز بیمار بر اساس تعرفه‌های خدمات درمانی، قیمت اقلام دارویی و هزینه‌های دندانپزشکی مطابق با مصوبات جاری دولت (وزارت بهداشت) است.

۳- با توجه به دولتی بودن ماهیت حقوقی صندوق فولاد و تأکید این مهم در رأی مؤخر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به دادنامه شماره ۲۴۶۵ مورخ ۱۶/۰۹/۹۸ جهت برقراری و شفافیت و سلامت انجام کلیه تعهدات و‌ا‌گذارشده به صندوق فولاد، لازم است تأمین



کسری بودجه این صندوق از جدول ۹ به جدول ۷ در قانون بودجه‌های سالیانه کل کشور انتقال یابد و هیئت امنای این صندوق بر اساس قوانین و مقررات حاکم بر مؤسسات عمومی دولتی، نظارت عالیه بر تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مالی و اداری اعمال نمایند.

۴- برقراری خدمات و مزایای رفاهی نقدی و غیرنقدی مطابق آیین نامه فولاد»

مصوبه افزایش فوق العاده ویژه معلمان اجرا نمی‌شود!

دولت باز هم دبه درآورد و به بهانه حقوقی نبودن مصوبه افزایش فوق العاده حقوق معلمان از اجرای آن می‌خواهد سر باز بزند

گزارش تسنیم

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم، در کنار رتبه‌بندی معلمان که برای اجرایی شدن در مرحله تأمین بودجه متوقف مانده است، اعمال فوق‌العاده ویژه فرهنگیان نیز برای اجرایی شدن با مشکلاتی مواجه شده است و فعلاً خبری از اجرایی شدن آن نیست

تجمع در «نیروگاه برق حرارتی و گازی تبریز»/ ترمیم حقوق خواسته کارکنان است

گروهی از کارکنان و مهندسان شاغل در نیروگاه برق حرارتی و گازی از زیرمجموعه‌های «شرکت مدیریت تولید برق آذربایجان شرقی» تبریز امروز (شنبه ۹ مرداد) پیرامون مطالبات خود در محوطه شرکت تجمع کردند

به گزارش خبرنگار ایلنا، گروهی از کارکنان و مهندسان شاغل در نیروگاه برق حرارتی و گازی تبریز، از زیرمجموعه‌های «شرکت مدیریت تولید برق آذربایجان شرقی» پیرامون مطالبات خود در محوطه شرکت تجمع کردند

آن‌ها نسبت به حذف کارانه‌های خود از سال‌های گذشته، صادر نشدن احکام سال جدید و ترمیم حقوق متناسب با تورم و هزینه زندگی، پرداخت نشدن برخی پاداش‌های سالهای گذشته به همراه مزایای انگیزشی و رفاهی و واگذار نشدن ۵ درصد سهام ترجیحی به کارکنان از زمان واگذاری ۴۹ درصد سهام شرکت در سال ۹۴ معترض هستند

کارکنان و مهندسان شاغل در این نیروگاه باید از سال ۹۴ به مدت ۱۵ سال، زیرپوشش مصوبات توانیر و وزارت نیرو قرار می‌گرفتند اما آیم‌های مزدی آن‌ها به صورت کاملاً تسویه نشده است

دولت موظف است معاش تهی‌دستان و آسیب‌دیدگان کرونا را تامین کند!

کارگران و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می‌توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>